

## δ علايق ژئوپلیتیکی بازیگران و برآوردهای آماری منابع انرژی دریای خزر احسان لشگری\*

مقدمه

از ابتدای فروپاشی شوروی برآوردهای آماری متفاوتی از منابع نفت و گاز خزر مطرح بوده و این نشان دهندهی آن است که ذخایر انرژی در این منطقه تحت تأثیر علایق سیاسی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گرفته است. این علاقه را از دو بُعد می‌توان مورد بررسی قرار داد. یکی تمایل کشورهای غربی و بخصوص ایالات متحدهی آمریکا به ایجاد تنوع در مراکز تولید انرژی فسیلی است که از اتکای این کشورها به منابع نفت خلیج فارس کاسته شود و دلیل دیگر برخی کشورهای ساحلی این دریا هستند که از زمان فروپاشی شوروی و رسیدن به استقلال تمایل داشتند تا با ارائه آمار اغراق آمیز در زمینهی ذخایر نفت و گاز منطقه، شرکت‌های نفتی را تشویق نمایند تا بیش از پیش به این منطقه روی آورند. آمارهای اغراق آمیز در زمینهی میزان ذخایر نفت و گاز منطقه تا حدی پیش رفت که منطقهی دریای خزر را بعد از سیبری و خلیج فارس، سومین حوزهی نفتی جهان و «کویت قرن بیست و یکم» لقب دادند. (۱)

### علايق ژئوپلیتیکی و برآوردهای آماری منابع انرژی

کشورهای حاشیهی دریای خزر، به خصوص قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان از حضور شرکت‌های چند ملیتی در بخش نفت و گاز کشورشان استقبال می‌کنند. این امر دلایل مختلفی دارد از جمله:

(۱) در بخش‌های مختلف اقتصاد این کشورها تنها بخش نفت و گاز برای سرمایه گذاران خارجی دارای جذابیت است و این کشورها برای توسعهی اقتصادی خود به بخش نفت و گاز وابستگی زیادی دارند.

۲) حضور شرکت‌های چند ملیتی در منطقه باعث پیوند خوردن منافع این شرکت‌ها با منافع کشورهای میزبان شده و بالطبع در صورت بروز ناامنی در منطقه شاهد دخالت کشورهای غربی در جهت حفظ منافعشان خواهند بود.

۳) حضور شرکت‌های چند ملیتی و سرمایه گذاری آنها در بخش استخراج نفت و انتقال آن از راه‌های به غیر از خاک روسیه، باعث کاهش وابستگی این کشورها به روسیه می‌شود و این مسئله آزادی عمل بیشتری در اختیار این سه کشور می‌گذارد.

جدول زیر بیانگر مقایسه میزان ذخایر نفت و گاز خزر با سایر مناطق است. (۲)

موضوع ناحیه	ذخایر اثبات شده نفت (میلیارد بشکه)	ذخایر اثبات شده گاز (تریلیون فوت مکعب)
منطقه دریای خزر	۱۷	۱۹۶
خلیج مکزیک (ایالات)	۲/۷	۲۹/۴
دریای شمال	۱۶/۸	۱۵۶/۶
خلیج فارس	۶۷۴/۵	۱۷۱۸
دریای چین جنوبی	۷/۵	۱۴۶/۵
غرب آفریقا و خلیج گینه	۲۱/۵	۱۲۶/۳
آیالات متحده آمریکا	۲۲	۱۷۷

اگر روند برآوردهای مربوط به منابع انرژی دریای خزر را بعد از فروپاشی شوروی از ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷ بررسی کنیم، به یک روند رو به افزایش در آمارهای مربوط به انرژی دریای خزر بر می‌خوریم. این روند از ۲۰ تا ۳۰ میلیارد بشکه شروع و به ۲۰۰ میلیارد بشکه می‌رسد. به طور مشخص یک سیر صعودی را در ارقام مربوط به انرژی دریای خزر تا سال ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ مشاهده می‌کنیم و این نشاندهنده‌ی این است که این منابع آنچنان که ادعا می‌شد، زیاد نیست. (۳)

از سال ۱۹۹۸ نوعی واقع بینی در مورد آمار منابع انرژی دریای خزر شکل گرفت و تعبیر «خلیج فارس دوم» به تدریج کمرنگ شد و جای خود را به تحلیل‌های واقع بینانه‌تری داد. (۴) مطالعات «وود مکنزی»، یکی از مؤسسات معتبر مطالعات انرژی نشان می‌دهد که حداکثر تولید خزر می‌تواند ۳/۸ میلیون بشکه در روز باشد که تا سال ۲۰۱۵ رسیدن به چنین چنین تولیدی امکان پذیر است. (۵)

بررسی‌ها نشان می‌دهد که ذخایر فسیلی دریای خزر آنچنان نیست که بتواند موازنه‌ی ذخیره و عرضه‌ی انرژی در جهان را دستخوش تحول سازد. در این میان حتی رسیدن ظرفیت تولید به  $\frac{3}{8}$  میلیون بشکه در روز تنها ۵ درصد تقاضاهای جهانی را در سال ۲۰۲۰ مرتفع می‌نماید. این مسئله نشان دهنده‌ی آن است که دریای خزر قادر نخواهد بود با خلیج فارس که  $\frac{1}{3}$  ذخایر جهانی را دارد، رقابت کند. (۶) حد پایین این برآورد با ذخایر نفت قطر و حد بالای آن با ذخایر نفت آمریکا قابل قیاس است. در سال ۲۰۰۳، تولید نفت منطقه خزر تقریباً به  $\frac{1}{5}$  تا  $\frac{1}{7}$  میلیون بشکه در روز رسید که این میزان با تولید سالانه‌ی برزیل که دومین تولید کننده‌ی نفت در قاره‌ی آمریکا است، قابل مقایسه می‌باشد. (۷)

بر اساس آمار موسسه اطلاعات انرژی آمریکا کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس که شامل بحرین، ایران، عراق، کویت، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی می‌باشند، در حدود ۲۸ درصد نفت جهان را تولید می‌کنند و این در حالی است که ۵۵ درصد ذخایر نفت جهان را که بالغ بر ۷۲۸ میلیارد بشکه می‌شود، در اختیار دارند. هم‌چنین در سال ۲۰۰۶، کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس  $\frac{18}{2}$  میلیون بشکه نفت صادر کردند که ۱۷ میلیون بشکه در روز از طریق تنگه هرمز و بقیه از طریق خطوط لوله عربستان و ترکیه به دریای سرخ و دریای مدیترانه منتقل شده‌اند. (۸) در نتیجه از نظر کشف ذخایر جدید در سال‌های اخیر هم اگر نگاهی به آمار و ارقام انداخته شود، مشاهده می‌گردد که در سالیان اخیر میزان ذخایر حوزی خزر تفاوت چندانی نکرده است و در حقیقت انتظارات مطرح شده از این حوزه غیر واقعی بوده است. (۹)

حال این سؤال کلیدی مطرح می‌شود که چرا علیرغم کاهش پیش‌بینی‌ها در زمینه‌ی ذخایر انرژی دریای خزر، ما همچنان شاهد تمرکز توجهات جهت استفاده از منابع این دریا هستیم؟

پاسخ این سؤال را می‌توان این گونه در نظر گرفت که هر چند دریای خزر قادر نخواهد بود که به عنوان رقیبی برای خلیج فارس مطرح باشد، اما قادر خواهد بود که هر چند به مقدار کم عرضه‌ی منابع نفت و گاز را در جهان تنوع ژئوپلیتیکی ببخشد. طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، مصرف مواد سوختنی از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۲۰، پنجاه و سه درصد افزایش می‌یابد و از ۷۲ میلیون بشکه در روز به ۱۱۰/۱ میلیون بشکه خواهد رسید و نیازهای کشورهای پر مصرف نظیر ایالات متحده، چین و هند افزایش زیادی خواهد داشت. به طور مثال تولید نفت آمریکا در سال ۱۹۷۰ به نقطه‌ی اوج خود رسید و از آن به بعد مرتباً کاهش یافته است. حتی کشف ذخایر قابل ملاحظه در خلیج پرو و در آلاسکا به میزان ۱۳ میلیارد بشکه، نتوانسته است این روند را تغییر دهد. از سال ۱۹۷۰ تاکنون، سه مخزن نفت در

کشورهای غیر اوپک کشف گردیده که میزان نفت آنها به مراتب کمتر از مخازن بزرگی است که پیش از آن در آمریکا، روسیه، خاورمیانه، مکزیک و ونزوئلا کشف شده است. این کشفیات جدید، تنها می‌تواند کاهش تولید مخازن بزرگ قدیمی را که در نیمه‌ی دوم عمر خود هستند، جبران کند و تولید نفت خام جهان را افزایش نمی‌دهد. در حقیقت، طی سی سال گذشته علیرغم سرمایه‌گذاری‌های زیادی که در عرصه‌ی اکتشاف نفت شده، توفیق دستیابی به کشفیات بزرگ و در خور توجه مایوس‌کننده بوده است. گزارش‌های اکتشافات نفت در سراسر دنیا نشانگر آن است که از این پس هم، میادین نفتی مهمی که بتواند جایگزین کاهش بزرگترین ذخایر نفتی امروز شود، کشف نخواهد شد. (۱۰)

این در حالی است که ذخایر چاه‌های نفت در دریای شمال و برخی دیگر از نقاط تا سال ۲۰۲۰ رو به پایان خواهد رفت. البته از بُعد اهمیت منابع گاز خزر تا اندازه‌ای موضوع متفاوت است. بر اساس برخی ارزیابی‌ها، ظرفیت گاز طبیعی منطقه خزر از ظرفیت نفت آن اهمیت بیشتری دارد. ذخایر ثابت گاز طبیعی منطقه ۲۳۲ میلیارد فوت مکعب برآورد شده است که این میزان ذخیره با ذخایر گاز عربستان سعودی قابل مقایسه است. تولید گاز طبیعی منطقه خزر در سال ۲۰۰۳ حدود ۴/۵ میلیارد فوت مکعب بود. این میزان تولید با مجموع تولید آمریکای جنوبی، آمریکای مرکزی و مکزیک قابل قیاس است. اما شرکت‌ها و حکومت‌ها تا حدودی به دلیل هزینه‌های سرمایه‌ای که برای راه‌اندازی پروژه‌های جدید در بخش گاز طبیعی مورد نیاز است و نیز به واسطه‌ی کمبود امکانات زیربنایی منطقه، بیشتر به توسعه‌ی میادین نفتی علاقه نشان می‌دهند. در نتیجه پس از استقلال این جمهوری‌ها، تولید گاز طبیعی در این حوزه مقدار کمی افزایش یافته است که البته افتتاح خط لوله نابوکو می‌تواند این روند را تغییر دهد.

### نتیجه‌گیری

قرائن و شواهد حاکی از آن است که در باب مسئله انرژی آنچه که برای کشورهای غربی حائز اهمیت است، وجود مؤلفه‌های مؤثر بر امنیت انرژی، تعدد منابع فارغ از مقدار ذخیره و توانایی عرضه است. وجود تعدد منابع انرژی از مهمترین عوامل تأثیر گذار در تصمیم‌گیری و سیاستگذاری در مورد انرژی است و این مسأله در سیاست کشورهای غربی در مورد انرژی خزر صدق می‌کند. بنابراین مسلم است که آنها برای رسیدن به این هدف از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند. پر واضح است که در چنین فضایی همان گونه که ذکر گردید حتی آمارهای ذخایر انرژی نیز می‌تواند دستاویز رقابت‌های ژئوپلیتیک بازیگران سیاسی واقع گردد.

\*کارشناس مسائل دریای خزر

1. [www. Nixon.org/publication/energy](http://www.Nixon.org/publication/energy).

2. Energy Economist, November, 2007, p. 11

۳. کولایی، ۱۳۸۳: ۱۱۳

۴. محمد کاظم سجادی پور، سیاست خارجی آمریکا و مسئله انرژی در مناطق شمالی ایران، مجموعه مقالات دوازدهمین همایش آسیای مرکزی و قفقاز. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴، ص ۴۶۳

5. [Www.oilandgas.com](http://Www.oilandgas.com)

6. Tichanov . Georgi , American interest in Caspian sea regime , second international coference on the Caspian sea , Tehran , 2002 , 152

7. [www. Eia.dou.gov](http://www. Eia.dou.gov)

8. [www. Eia.gov/emeu/persian – Gulf / pdf](http://www. Eia.gov/emeu/persian – Gulf / pdf)

۹. محمد باقر قالیباف و پوینده، تحلیل اطلاق مفهوم بیضی استراتژیک انرژی بر حوزه‌ی دریای خزر و خلیج فارس، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره‌ی دوم، ۱۳۸۶، ص ۶۱

۱۰. علی وطنی و عبداللهی، برهمکنش نفت، سیاست و اقتصاد، نشریه علمی - تخصصی انجمن مهندسی نفت ایران، شماره‌ی ۱، ۱۳۸۴، ص ۱۰

